

گرفتار بودم و نتوانستم در جلسه حاضر شوم سایر آقایان هم در کمیسیون هما گرفتارند باین جهت خوب است مطابق ترتیبانی که مجلس داده است جلسه در موقع خودش منقذ شود آقایان هم زودتر تشریف بیاورند و تا پنج ساعت از شب رفته و هر وقتی که اکثریت رأی بدهد مذاکره نمایند دیگر محتاج نیست هم صبح و هم عصر جلسه بشود (بعضی از نمایندگان -)

رأی بگیریید)
رئیس - بالفعل عده برای رأی گرفتن کافی نیست.

وزیر امور خارجه - بنده از آقای مخبر کمیسیون بودجه يك تقاضائی دارم اگر اجازه بدهید عرض کنم

رئیس - حالا این مسئله را حل کنیم بعد به آن مسئله برسیم.
(جمعی گفتند روز سه شنبه جلسه باشد)

رئیس - چون عده کافی نیست میماند برای روز سه شنبه

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۲۳۸
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هیجدهم
رجب مطابق پانزدهم
برج حوت ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه سیزدهم حوت را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند.

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟
(اظهاری نشد)

رئیس - دستور امروز اولاً راپورت شعبه پنجم راجع باعتبارنامه آقای قوام السلطنه بعد پروگرام هیئت محترم دولت است ولی آقای قوام السلطنه در خارج از بنده تقاضا کردند که راپورت شعبه پنجم بماند برای یکی دو جلسه دیگر راجع باین تقاضا اگر مخالفی هست اظهار شود

مدرس - بنده مخالف هستم اعتبارنامه آقای قوام السلطنه جزء دستور امروز است و علتی ندارد که عقب انداخته شود.

و عقیده بنده این است که باید همین امروز مطرح شود

اگر چنانچه عقب انداخته شود بنده عقیده خودم خوب نمیدانم هر گاه اشکالی دارد یا مخالفی هست صحبت بدارند و رأی گرفته شود الا اینکه اکثریت رأی بدهند عقب بیفتند.

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - بنده تصور میکردم اصل اعتبارنامه آقای قوام السلطنه مطرح است و میخواستم در آن موضوع حرف بزنم حالا معلوم میشود در دستور صحبت است لهذا عرضی ندارم.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در صورتی که خود آقای قوام السلطنه خواهش کرده باشند که اعتبار نامه ایشان امروز مطرح نشود گمان میکنم لزومی نداشته باشد که ما اصرار کنیم بعلاوه اعتبارنامه ای که در دو سه مجلس مانده است منحصر باین یکی نیست و زیادتر از این هم هست و لزومی ندارد که آقای مدرس اصرار دارند که این یکی همین امروز مطرح شود

مدرس - جزء دستور امروز بوده است و آقای قوام السلطنه هم حق ندارند از دستور خارج کنند.

حائری زاده - البته وقتیکه آقای قوام السلطنه خودشان این پیش نهاد را کرده اند مجلس میتواند اعتبارنامه ایشان را عقب بیندازد.

یکی از نمایندگان - آقای قوام السلطنه حق پیشنهاد ندارند

رئیس - آقای نجات (اجازه)

نجات - بنده متحیرم که کاسه های گرمتر از آتش پیدا میشود اگر میخواهید در مجلس رد و خورد پیدا شود بفرمائید.
(همه بین نمایندگان - این حرف ها چیست که میزنید - زدو خورد کدام است)

مدرس - رأی بگیریید
رئیس - به چه رأی بگیریید
مدرس - به پیشنهاد آقای قوام السلطنه.

رئیس - آقای قوام السلطنه پیشنهاد میفرمائید.

قوام السلطنه - بلی پیش نهاد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بخارج شدن آن از دستور آقایانی که تصویب میکنند از دستور امروز خارج شود قیام نمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد پروگرام هیئت دولت مطرح است

آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده خیلی سعی خواهم کرد از نقطه نظر رعایت وقت عرایض خود را باختصار عرض کنم بنده یاد داشت های مفصلی راجع به پروگرام تهیه کرده

بودم و از نقطه نظر حق انتقاد و حق اعتراضی که یک عده متمنع بایک عده مخالف نسبت به پروگرامی دارند حق داشتم به تمام مواد پروگرام در ضمن کلیات اعتراض کنم ولی نظر باینکه ناطق محترم اقلیت آقای مدرس در جلسه گذشته آنچه باید اظهار بدارند و حقایقی را که باید گفته شود کاملاً و بنحو اتم و اکمل اظهار داشتند دیگر اگر بنده بخوام در جزئیات پروگرام داخل بشوم گمان میکنم شاید تا حدی تکرار باشد فقط بنده علت حقیقی امتناع خود را از موافقت پروگرام در یک جمله مختصر و محصور عرض خواهم کرد که در صدر پروگرام واقع شده است در آن جائیکه نوشته اند.

(حوائج مملکت و اقداماتی که از طرف هیئت دولت باید در رفع آن حوائج بعمل بیاید امروز تقریباً بر همه کس معلوم است)

بنظر بنده از این يك سطر هنوز رد نشده است تا بسایر سطور اصافه کند و در سایر قضایا و مواد و مفاهیم این پروگرام بسط کلام بدهم اگر حقیقتاً این سطر مفهوم خارجی میداشت و از نقطه نظر عقیده هیئت عمومی این لفظ از زبان دیپلمات ها و بزرگان مملکت ماجاری میشد بعقیده بنده دیگر هیچ تأمل و تعمق در وحدت نظر اکثریت مجلس و حتی در وحدت نظر تمام ملیون و آزادی خواهان باقی نمی ماند اگر حوائج مملکت و اقداماتی که از طرف هیئت دولت باید در رفع آن حوائج بعمل آید چنانچه در این پروگرام نوشته شده است امروز تقریباً یا قطعاً بر همه کس معلوم است اگر جنگی باقی نمی بود و بعقیده بنده گفتگوئی باقی نمی ماند و محتاج به تحمل ناملازمات و مصائب اخلاقی نبودیم دیگر آزادی طلبها خون یکدیگر را در شیشه نمی کردند و بازار همه اعتراض و انتقاد و تضییقات عقیدتی و ترور فکری و تهدیدات اینقدر رونق نداشت ولی متأسفانه هنوز حوائج مملکت و اقداماتی که باید از طرف هیئت دولت در رفع آن حوائج بعمل آید بر همه کس معلوم نیست اینچاست جان کلام.

هفت شهر عشق را عطار گشت (آقای مدرس)

ما هنوز اندر خم يك کوچه ایم بنده هنوز در کلمه اول گیر دارم.

در دوره سوم مجلس شورای ملی بنده یکی از مذاقمین و حمات صمیمی و بی ربای شخص محترم آقای مستوفی الممالک بودم در حضورشان عرض میکنم حالا چه شده است که امروز در مقابل هیئت محترم دولت بنده بایستی بسا نگرانی بیایم پشت تریبون و اظهاراتی که امروز بایستی بنام دفاع از يك پروگرام بدارم ناچار شوم که آن اظهارات را بدون اعتراض به يك پروگرام بیان کنم علت حقیقی همان است که عرض کردم.

اختلاف در تشخیص اقداماتی است که هیئتهای دولت بایستی در رفع حوائج مملکت بنمایند در اینجا اختلافات ایجاد می شود و یکی از علل اختلاف بنده و یک عده رفقای محترم بنده همین قسمت است حوائج مملکت چیست؟

مملکت ما امروز به چه چیز احتیاج دارد در اینجا بایستی خوب دقیق بشویم به عقیده برخی از آقایان و افراد طبقه اول و دوم مملکت احتیاجات مملکتی زندگانی کردن روزمره و نان خوردن بخیال اظهار حرارت در اطراف (تئوری) های غیر عملی مقدم داشتن احساسات خشک خالی بر فکر و عقیده ترجیح دادن عواطف شخص و انفعالات خصوصی بر عواطف ملی و اجتماعی و بالاخره يك قسمت از بزرگان مملکت ما تصور میکنند که حوائج امروزه مملکت این است که هر سه چهار ماه یک دفعه کابینه بیاید و آن کابینه را با هو و حمله و تعرضات و جنجال های بی اساس بزمن بزنند و يك کابینه دیگری بیاید و بالاخره بعد از سه چهار ماه آن هم بیفتد تا اینکه يك فرقی تولید شود و چند سالی زمامداران مملکت ورزش نمایند و تمدد اعصابی بدهند بعد دو مرتبه مجلس بشود و يك اقدامات اساسی در آن مجلس شروع بشود و يك جمعی اگر خواستند موفق بشوند که يك خدمات اساسی و حقیقی به مملکت بکنند دوباره از نقطه نظر عدم تشخیص حوائج مملکت به آنها تضییقات وارد بیاورند و باین دولت و آن دولت حمله بکنند و بالاخره آمار آن قدمهائی که برداشته شده معجز نمایند دو مرتبه همان زندگانی اولی را تجدید نمایند ولی يك قسمت مردم دارای این عقیده نیستند و میگویند هیجده سال بنام آزادی خواهی و مشروطیت جان کندهیم و در این مدت از روی احساسات صرف و از روی اغراض شخصی يك عملیاتی کردیم و یک قدم بطرف سعادت و اصلاح و عظمت مملکت برداشتیم و بر ما ثابت و محقق شده که اگر با سیره دیرینه بخوایم جلو برویم و قضا و قدر بما مجال بدهد و قضایای خارجی دنیا که بد بخانه عامل تقصیرات و تبدیلات مملکت ما آن قضایا است بمجال بدهند و هیجده سال دیگر هم بگذرد نه ایجاد راه آهن و نه استخراج منابع ثروت و نه راه های شوسه در این مملکت پیدا نخواهد شد نه فابریک و نه کارخانه و نه يك مدرسه عالی و نه يك مدرسه متوسطه مملکت ما دارا نخواهد شد.

بالاخره همین آتش و همین کاسه خواهد بود و باید این مملکت با فقر و بدبختی و ذلت و نکبت بسربرد و اگر خنجر بیداد بیگانگان بگذارد آن فساد حقیقی که بواسطه بدبختی و فقر و نداشتن پرنسیب عمومی جامعه را احاطه کرده است خود آن فساد کافی است که باعث اعدام این جامعه بشود.

برای اینکه این عقیده را دارند و بدانند که امروزه عظمت و استقلال و حفظ سیادت و کیان ملی جز بوسیله ترقیات مادی ممکن نیست و آن عده که دارای این عقیده هستند همیشه پرتست میکنند و اعتراض میکنند و بعموم فریب ها و مالک ها خشمگین نگاه میکنند و باشخصی که احساسات صرف و عواطف خشک و خالی و بوج خودشان را بر فکر و عقیده و حقایق ثابت تر جیح میدهند میگویند بیشتر از بزرگان و افراد و طبقات مملکت ما هنوز احتیاجات مملکتی را تشخیص نداده اند و حوائج مملکت و اقداماتی که باید در رفع آن بعمل آید بر همه کس معلوم نیست یکی از علل عدم موافقت بنده با این پروگرام و یکی از علل امتناع بنده از موافقت با این پروگرام همین نکته است زیرا بنده امیدوار نیستم چرا چون تجربیات به بنده نشان داده است و امید بنده را در این مورد تجربیات سابقه شده شهید کرده است و امیدواری من خیلی ضعیف است باینکه با این (ایدآلها) و با این سبک فکر و با این زمینه و با این تجربیاتی که در اطراف این افکار برای من حاصل شده است بتوان حوائج مملکت را با این وضعیات رفع نمود.

اگر بخواهم در این زمینه بسط کلام بدم خیلی مفصل میشود و شاید بتوانم پنج روز وقت مجلس را اشغال کنم اینست که میل ندارم بسط کلام داده شود و خواستم اساس و علت اولیه عدم موافقت خود را با این پروگرام با نهایت نزاکت و پانهاات حجب و تأدب عرض کنم که آقایان تصور نکنند اعتراضات بنده مبنی بر جدول و نظریات درجه دوم و سوم است.

بنده هیچ اهمیتی نمیدهم که در يك پروگرام فصول و مواد مشتمع و خیلی زیبنده و با بقول حضرت آقای مدرس مواد زینتی نوشته شود یا بمکس هیئت های دولت فوق العاده عملی شوند و حقیقتاً آن عملیاتی را که در نظر دارند و آن قضایائی را که در پیش خودشان با فکر و وجدان و عقل بدون اندیشه از هوچی گری حل کرده اند و بعد مسائل اجرای آنرا فراهم نموده اند و اجرای آن قضایا را با منافع حتمی مملکت تطبیق کرده اند آنها را بشکل دوسه ماده بلکه يك ماده بیاورند و بمجلس تقدیم نمایند و بعقیده بنده هیچ فرقی بین آن (ثوری) با آنها و آن نظریه که اول عرض کردم و بدبختانه تابعال معمول نبوده و دیده نشده است که يك هیئت دولتی اینقدر (راآلیست) و حقیقی باشند حدی بین آن افراط و تفریط و یا حدی بین این حد وسط یعنی این پروگرام حاضر که نه آن است و نه این و نه مرام صرف است و نه عملی صرف و نه بالاخره يك شمعانیتهی رادارا است و خلاصه این هم بآن دو قسمت هیچ فرقی ندارد آقای تدین فرمودند که شش

هزار سال است حرف میزنیم لفاظی میکنیم ادعای میکنیم حالا شش هزار سال است یا سه هزار و پانصد سال و بین مورخین در این موضوع اختلاف هست بآن کاری ندارم ولی در این مدت خیلی کار کرده ایم پدران رشید ما و ابا و اجداد ما کار کرده اند و خدمت کرده اند و بالاخره اگر ایران در تاریخ عظمت ملل و تاریخ طهران آسیائی يك اسم درخشنده و روشنی داشته و دارد بواسطه خدمات و کارهای پدران ما بوده است و بواسطه ثبات قدم و رشادت و عملی بودن آباء و اجداد ما بوده است آنها کار کرده اند ولی متأسفانه و بدبختانه ما فرزندان خلف یا نا خلف را فقط (نسبت بخودم این عرض را میکنم) کار نکردیم همانطور که آقای تدین فرمودند ما بجای اینکه کار کنیم حرف زدیم بجای اینکه بسنجیم و به بینیم منافع مملکت چیست فقط و فقط وجدان و علم خودمان را در آن بسنجش حکم قرار بدهیم و فقط عامل تشخیص را اول علم و صحت تشخیص قرار بدهیم بعدم وجدان خودمان را تنها دخیل کنیم و بعد از آن که با قوه فکر و علم و وجدان يك حقیقتی را تشخیص دادیم بدون هول و خوف و رعب بدون اینکه بترسیم عقاید ما را تخطئه کنند و بدون اینکه بترسیم در ستونهای جراید ما را تنقید کنند و ما بدبگویند و بدون اینکه از زندگانی خودمان امیدوار باشیم که در موقع ارتکاب يك کار خوبی ما را تحسین کنند و ما آفرین بگویند بدون هیچیک از این نظریات وقتی که فکر و عقل و وجدان يك حقیقتی را بمانشان داد و چراغ راه ما را هدایت بمانشان راه میشود وطن را از خطر نجات داد آن وقت بدون هیچ خوف و رعب مثل باشهامت ترین مردمان دنیا بجامه بگوئیم که این است راه سعادت و حقیقت و از این راه باید مملکت را نجات داد و من که يك نفر و كيل یاسر دار هستم میگویم که از این راه باید جلو برویم آنوقت اگر هم يك چنین شخصی کشته بشود و معشود آن اراده و عزم و فکر او این مملکت را نجات خواهد داد ولی بدبختانه چنانچه آقای تدین فرمودند ما این طور نبودیم و در این مدت اول فکری که میکردیم این بود که چه عباراتی تلفیق کنیم که فلان دسته خوششان بیایند و نرنجند یا فلان دسته تصدیق کنند و پادر فلان جریده و در کرسی نطق بشود دفاعگی کرد و يك وقتی را گذرانند

بدبختانه امروز رهنمای این توده ملت همین فکر ضعیف است و بجای اینکه در تشخیص قضایا و سعادت و نجات مملکت فکر وجدان هنر خود را بدون خوف از تعرضات راه نمای خود قرار بدهند بدبختانه چیزی که کمتر عامل خدمات و اقدام مامیشود و چیزی که کمتر ما را بطرف خدمت و کار سوق میدهد شجاعت و شهامت و رفتن روی (رامل) راه (عقیده و راه شجاعت و شهامت

است و همان طور که عرض کردم فورمالها و وحشت و تزلزل از اعتراض يك معترض و نرسیدن از اینکه شاید زحمات چندین ساله که من کشیده ام و جمعی موافق پیدا کرده ام از بین برود حرف میزنیم چیز مینویسیم ولی در نتیجه آن هیچ عمل پیدا نیست از این جهت است که ما هیچ عمل ندیده ایم و اگر هم دیده ایم نگذاشته اند آن عمل بختامه برسد

بنده در این قضایا با صاحبان محترم این پروگرام اختلاف نظر دارم و تمام اختلاف نظری که بنده تصور میکنم دارم این بود که عرض کردم و این فکر هم تازه برای بنده ایجاد نشده است از روزی ایجاد شده که در حضور آقای مستوفی الممالک در سنه ۱۳۳۶ یا ۳۷ وقتی که ایشان زمامدار هم نبودند در اطاق کالاری خدمتشان رسیدم آن اوقاتی بود که در این شهر مسئله آدم کشی و ترور های فکری و تهدید عقیده و ترورهای عرضی و شرافتی بعد کمال رسیده بود و بدرجه اعلی سعود کرده بود و بالاخره هر چه و مرج اخلاقی و آن فسادهای تیره و گندیده که هنوز هم این مملکت را رها نکرده است داشت نمو میکرد و بزرگ میشد آمریکا داخل جنگ شده بود صفوف غربی آلمان داشت درهم می شکست روسیه از بین رفته بود و در عین حال اقدامات طهران و اقدامات اشخاصی که بوسائل نامشروع لفاظی را بر افکار و عقول و وجدان ترجیح داده و بر اشخاص حقیقی قلبه کرده بودند و آن عملیات قطعاً برخلاف سیاست و مصالح داخلی و خارجی دولت ایران داشت رشنو می کرد و در آن روزها اگر در خاطرشان باشد بنده خدمت رئیس دولت حاضر شرفیاب شدم (البته کثرت گرفتاریها و افکار شاید مانع از این باشد که این مسئله را در نظر داشته باشند) عرض کردم آقایان اصلاح این وضعیات چه باید کرد ایشان به بنده یک جواب حقیقی دادند که بنده در عین آنکه خودم را با آن جواب و فکر موافق ندیدم و از آن روز تصور میکنم حدفارق بین بنده و این دیپلمات محترم واقع شد مع ذلك باین فکر و بیان جواب حق دادم و آن این بود که فرمودند بالاخره کسانی که باید تکبیه گناه هیئت دولت واقع شوند یعنی هوچی ها حالا بنده باین کلمه تعبیر میکنم اینها نمیگذارند اصلاحات پایک شهامت و شجاعتی پیش برود اینها مانع هستند که يك شخص فکور عاقل با عقل و فکر و قوای خودش آنچه را موافق صلاح مملکت است تشخیص بدهد و بکار ببرد تصدیق هم کردم آنها مانع بودند امروز هم باز مانع هستند شاید خود من هم بنوبه خود یکی از و انوع باشم (صحیح است) و دلیللی هم نیست که بنده تصدیق صحیح باشد خلاصه در روی این حدفارق و همین اختلاف عقیده است

که بنده نمیتوانم با این پروگرام و مطالب و عباراتی که در آن نوشته شده است موافقت کنم از این قسمت خارجی و فکری گذشته هم بعضی آقایان اظهار فرمودند این اعتراض مربوط میشود به بعضی از مسائلی که آن مسائل از وظائف حتمی و قطعی هیئت دولت است و مسائلی است که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی با آنها اشاره شده است و هر هیئت دولتی مجبور است همیشه بآن وظائف عمل کند من می بینم از آن وظائف و قسمتهای قانونی هم ضمیمه پروگرام نموده اند که یکی از آن قسمتها اجرای قانون انتخابات است با اینکه قانون اساسی میگوید اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست و با اینک در قانون انتخابات ذکر شده است که سه ماه با آخر هر دوره تقنینیه باید انتخابات اعلان شود با وجود این دو قید قانونی که از قیود اساسی مملکت است مع ذلك بنده تعجب میکنم که چرا یکی از مواد پروگرام دولت حاضر اجرای انتخابات است و می نویسند (تسریع در تهیه وسایل انتخابات در دوره پنجم و مراقبت در صحت جریان آن) بنده برای اینکه در سایر مواد زیاد صحبت نکرده باشم و زمینه اعتراضات را بدست آورده باشم همین قسمت را که آن عرایض اولیه بنده را هم تأیید و تقویت میکنند عرض میکنم و آن این است که تسریع در تهیه وسایل انتخابات و صحت جریان آن يك وظیفه حتمی و قطعی دولت است و هیچ هیئت دولتی نمیتواند ولو اینکه در پروگرام خودش هم ذکر نکرده باشد اجرا نکند و طفره بزند چون هم در قانون اساسی قید شده و هم در قانون انتخابات در این صورت بنده تعجب میکنم باینکه هر دولتی موظف و مکلف است در موقع انتخابات امر انتخابات امر را انجام نماید و مراقبت در صحت جریان آن بنماید و نمیتواند استنکاف نماید

چرا این قسمت را هم یکی از مواد پروگرام خودشان قرار داده اند یکی از پروگرام هائی که دولت های سابقه میآورند غیر از پروگرام گذشته که دو سال مجلس ورودی آن پروگرام طی شد و دوسه کابینه هم آن پروگرام مهم را تعقیب کرد در روی آن کار کرد و تقریباً اغلب مواد هم بدست مجلس و دولت ها انجام شد اگر بعضی قسمتهای آن از قبیل جلب سرمایه خارجی معطل و معوق ماند باز هم تصدیق دولت نبود و تصدیق دیگران بود غیر از آن پروگرام اغلب پروگرام هائی که دیده ایم همانطور که آقای مدرس اشاره فرمودند غالباً مواعید بوده است و حتی الامکان يك عباراتی در پروگرامها می نوشتند که جلب توجهات یکدمه مردم را بکنند و اگر هم انجام نپذیرفت اهمیت نداشته باشد در این صورت این سابقه بمن میگوید که این پروگرام مواعید است و بکنتمت از مواد این پروگرام

که نمی خواهم اشاره کنم) و شاید ناطقین معترمی که بعد از بنده به پشت این کرسی خطابه تشریف می آورند بفرمایند محسوس است که جزء مواعید است و جزو قضایای سریع الحصول و فوری نیست معذرت می گویم است که هیئت محترم دولت تسریع در امر انتخابات دوره پنجم را ضمیمه پروگرام خودشان کرده اند و یک چنین امر قطعی و قانونی را که فرض زمه هر دولتی است در جزو پروگرام آورده اند و حتی مراقبت در صحت جریان آن را هم مثل یک وعده خیلی مهمی بایک نیت فوق العاده بمانند کرده اند و در صورتیکه دولت محترم قضایائی را که باید انجام بدهد و نباید از طرف مجلس و ملت و مطبوعات ملت اجازه داده شود که در اجرای آنها طفره زنند اجرای آن قوانین را هم بمانند می دهند پس چه چیز ضمانت خواهد کرد حسن خانه و حسن نتیجه این مواعید را؟ وجه چیز با اطمینان خواهد داد که اولاً این ماده مثل سایر مواد پروگرام ها برای جلب افکار و خواطر نوشته نشده باشد و بر فرض که گفتیم مجلس موجود است و افکار صالحه مانع از این هستند که نسبت بوعده بگذرد چه چیز مراقبت دولت را در صحت جریان آن با اطمینان خواهد داد و بر فرض اینکه این قسمت هم اطمینان داده شود و ما اعتماد داشته باشیم به اینکه چون این ماده از نقطه نظر اینکه قانون اساسی بآن اشاره کرده است اجراء خواهد شد بیطرفی دولت را چه چیز با اطمینان خواهد داد حالا که تسریع وسائل انتخابات و مراقبت در صحت جریان آن را بمانند داده اند چرا بی طرفی دولت را بمانند داده اند حالا که دولت بدهیات را در ضمن پروگرام خودش ذکر میکند و قضایای بدیهی را بمانند هدیه میدهد پس چرا آن قضیه بدیهی دیگر را که بیطرفی دولت در امر انتخابات است چرا آن وعده رانده اند چنانچه در ضمن این هدیه بی منت بیطرفی دولت را ضمیمه نکرده اند در این صورت و باین کلیاتی که عرض کردم و بآن نگرانی هائی که بنده و رفقای بنده داریم خود را باین پروگرام موافق نمیدانیم و متأسفانه در موقع گذشتن این پروگرام متمنع خواهیم بود.

رئیس - آقای سردار فاخر اسم خودتان را معروض کرده اید؟

سردار فاخر - خیر
رئیس - بفرمایند.

سردار فاخر - در این موقع که پروگرام هیئت محترم دولت در مجلس شورای ملی مطرح است و در کلیات آن مذاکره میشود بنده که نیز رأی اعتماد و موافقت خود را بر رئیس محترم دولت تقدیم داشته لازم میدانم بنوبه خود نسبت به پروگرام نظریاتم را بطور کلی بر عرض نمایم تا آنکه محترم برسانم برخلاف عقیده آقای ملک الشعراء که در

مجموع بیانات خود این طور نتیجه گرفتند که پروگرام یک (تورری) و غیر عملی است بعقیده بنده کاملاً پروگرام هیئت محترم دولت از نقطه نظر احتیاجات فعلی مملکت بادر نظر گرفتن جنبه عملی آن از روی کمال تمق و دقت تهیه شده است و حقیقتاً معالجه تمام این دردهائی که این مملکت را احاطه کرده است اقدامات عملاً پیش بینی میکنند برخلاف پروگرام هائی که در ادوار مختلفه تقنینیه گزارا هیات های دولت وقت بمجلس تقدیم میکردند که همه بر از جملات مشتمع و عبارات پر آب و تاب مشحون ولی کمتر شامل احتیاجات آتی و فوری بود و بیشتر بر آرزو شباهت داشت این پروگرام که در عبارت قلیل و مواد مختصر شامل مهمترین احتیاجات ضروری مملکت است موافقین را بیشتر بوقفیت هیئت محترم دولت امیدوار میسازد و امیدوارم باموافقت نمایندگان محترم در سایه جدیدت و استقامت رئیس محترم دولت هر چه زودتر بموقع عملی گذاشته شود و قبل از این که مجلس دوره چهارم تقنینیه خاتمه یابد اغلب مواد پروگرام انجام گرفته و بعضی که محتاج بوقت موسع تر است لافلاً مقدمات آن تهیه و فراهم شده باشد آقای ملک الشعراء در ضمن بیاناتشان بیکدم بقرآ برگشتند و وشه از تاریخ شان زده هفده ساله این مملکت را ذکر کرده اند و مواظب داشتند که احساسات خشک و خالی را باید از نظر معوج داشت بنده بر عکس تصور میکنم هر ملتی که دارای احساسات نیست جزو مرده محسوب است و بنده هم همیشه احساسات خشک و بی اساس یک جامعه را تصدیق میکنم و اما این که اشاره بایام مهاجرت فرمودند چون بنده خود هم در آن قسمت تا یک اندازه سهم و شریک بودم چیزی نگفتم.

سردار فاخر - چرا ارجاع به جنک بین المللی و مهاجرت هم اشاره فرمودید حالا میفرمایند اشاره نکردم بسیار خوب چون بنده در آن قسمت سهم بودم و بیک قسمت مهم از تر و تم را در روی آن احساسات گذاردم حالا چیزی نفرمودید بنده هم عرضی ندارم بر میگردد به قسمت انتخابات که شرح و بسط مفصلی دادید و فرمودید چرا آقای رئیس الوزرا این قسمت را جزو پروگرام قرار دادند در صورتیکه دیروز آقای مدرس فرمودند اصلاً پروگرام دولت برای اجرای مواد قوانینی است که از مجلس میگذرد و حالا هم میفرمایند که چرا یک چنین مسئله حیاتی و مهمی را که مقدرات آتی مملکت و سعادت ملت منوط و مربوط بآن است جزء پروگرام خود قرار داده اند بنده میخواستم عرض کنم که یک قسمت اخیر این ماده که صحت و جریان انتخابات بود از همه لازم تر است زیرا از انتخاباتی برخلاف عقیده آقای ملک الشعراء که در

وارد در آن قسمت نمیشود و بنده معتقدم که این يك قسمت خیلی مهمی است که رئیس محترم دولت باید مدتی توجهی بآن بفرمایند زیرا بنده معتقدم که تنها چیزی که میتواند سعادت این جامعه را حفظ کند انتخابات آتی است و البته چیزی که از همه لازم تر است جلوگیری از اعمال نظر مستقیم ولایات و حکام و شاید بیکدمه متنفذین دیگری که در محل هستند و بنده حالاً نمی توانم اسم ببرم و مخصوصاً بنده بر عکس آقای ملک الشعراء تقاضای کنم یک اهتمام مخصوصی در موقع خود در این قسمت مبذول فرمایند و چون بنده موافق بودم و میخواستم عرایض خود را کلیه عرض کنم و مخصوصاً در هیئت مؤلفه ذکر شده که از اطناب صرف نظر کرده و به اختصار به بیرون ازیم بنده هم خیلی در این زمینه وارد نمی شوم فقط من باب تذکر خاطر محترم هیئت دولت را متذکر میسازم که در اجرای مواد پروگرام رعایت الاهم فالاهم را بفرمایند بعقیده بنده اول دردد مملکت فقر و بیکاری و وخامت وضعیت اقتصادی است و قبل از این که بروزهای بدتری دچار شویم باید هیئت دولت وسایل استفاده از منابع ثروت مملکت را فراهم نموده و مقدمات امتداد راه آهن را تهیه نمایند و وسایل نقلیه اتوبیلی را دایر نمایند و مخصوصاً تجارت و زراعت مملکت را که تنها مایه معیشت این مملکت در قسرن های متشادی بوده و هست و از وضعیت اسف آور کنونی نجات بدهند بعد از اصلاحات قضائی مهم تر از همه است و اولویت دارد زیرا حقیقتاً اهمیت قضائی در این مملکت نیست و باید هر چه زودتر قانون مجازات و حقوقی را بموقع مطالعه و عمل بگذارند و بطمانی که در سیر ارتجاعی و فقهرائی مملکت بر آزادی حقوق وارد آمده است جبران بنمایند.

بنده در خانه بیانات خود امیدوار هستم که نمایندگان محترم بایک حسن نیت و روح موافقی که ناشی از احساسات وطن پرستانه آنهاست هیئت دولت را در اجرای مواد مساعدت و یاری کنند و از جدیدت و حسن عمل آقای رئیس الوزرا هم انتظار دارم که هر چه زودتر داخل بر مراحل عمل شده و موقع را منتقم شمارند و در صفحات تاریخ آثار فنا ناپذیری از خود بیادگار بانی بگذارند.

رئیس - آقای تدین يك توضیح مختصری دارند.

تدین - آقای ملک الشعراء در ضمن بیانات خودشان راجع بمذاکرات بنده در جلسه گذشته اشاره فرمودند و چون چیزی را که ایشان ملتفت شده بودند خلاف واقع بود لذا لازم دانستم توضیح بدهم اولاً ایشان يك تعریض ادبی به بنده کردند که بنده گتهام ملت شش هزار ساله ولی تاریخش سه هزار و پانصد سال است این را که بنده عرض کردم بنا بر شهرت بود و در خارج هم از هر کس

سؤال کنید میگویند ملت شش هزار ساله ایرانی و بنده میخواستم تاریخ بنویسم باین که از نقطه نظر وقت و بطور تحقیق عرض کنم تاریخ بدو وجود ایرانی در این سرزمین چند سال است بنده از نقطه نظر شهرت عرض کردم ملت شش هزار ساله.

ملک الشعراء - بنده شوخی کردم تدین - پس این تعریض ایشان بیجا بوده است اما اینکه اشاره فرمودند که بنده عرض کرده ام این ملت در ظرف چندین هزار سال لغضائی کردند و حرف زدند از اینجا همچو استنباط کرده اند که بنده خواسته ام توهینی بجامعه بکنم بفرمودند خیر ایرانیها کارهای بزرگ کرده اند و اشخاص باهنتری داشته اند و چه کرده اند بنده این عبارت را ادا نکردم مقصود بنده عرض کردم که ماشش هزار سال است ادا میکنم که هم چیز را میدانم و این طور نیست بنده اینطور عرض کردم و چون مقصود بنده را برخلاف جلوه دادند بعضی از توضیح دادم و بقیه حرف را چون عواقب پس از يك يك مخالف عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده در نظر داشتم مطالبی که بنظر بنده خیلی اهمیت داشت و خیلی لازم نمی دانستم در موقع پروگرام هیئت محترم دولت تذکر بدهم چه شده است در پروگرام دولت نوشته شده است ولی حالا بواسطه مذاکرات آقایانیکه قبل از بنده فرمودند لازم دانستم چندین جمله عرض کنم که رفع سوء تفاهم بشود آقای ملک الشعراء اعتراض باین نبود که چرا انتخابات را جزء مواد پروگرام آورده اند که اعتراض آقای سردار فاخر وارد باشد چون آقای مدرس بریروز شرح مبسوطی مذاکره کردند و بالاخره يك مطالبی را یاد آور شدند که چرا در پروگرام هیئت دولت اجرای قانون استخدام سایر قوانین لازمه ذکر نشده است و آقای تدین هم به از ایشان اعتراض کردند که آنها از وظایف خاصه دولت بوده و محتاج نبوده است که در پروگرام بیاید آقای ملک الشعراء جواب نقضی دادند اگر آنها از وظایف دولت بوده است قانون انتخابات هم از وظایف شان بوده است

پس چرا این يك مطلب را در پروگرام نوشته اند و بقیه را ننوشتند و ایراد مشترک الوارد بود مسئله احساس و نطق و فکر و عمل بود گمان میکنم نه آقای تدین نه آقای ملک الشعراء مقصودشان اعتراض بود بالاخره همه نمایندگان این ملت هستند و یا مدعی نمایندگی را دارا هستیم و تمام ماها که در اینجا نشسته ایم تمام افتخاران مان در همین است و هیچکس حق اعتراضی

را ندارد چه اقلیت و چه اکثریت ولی مقصودشان این بود که در اوایل هر امری در هر امری که شروع بیک مطالبی میکنند در اولش يك حد رشد و تکامل وحد سیری دارد و چون مشروطیت ما چهارده پانزده سال پیش نیست غالباً احساسات جای گیر نطق شده است و غالب امورات بوعده و نوبت گذشته است یا اینکه کم کم به بعضی از آنها عمل شده و بدها بیک قدری بمغایب آن می بردیم و در صدد اصلاح آن بر آمدیم و بیک قدری رو به تکامل سیر کردیم در قسمت مهاجرت هم هیچوقت بنده عقیده ندارم که يك مذاکراتی بشود بجهت اینکه اولاً وضعیت آن وقت در نظر همه نیست بعضی جزئیاتش از خاطر محوشده و نمیشود در آن خصوص اجتهاد کرد و معاً که هم نشده و ببلاده موضوعی نیست که بشود بایامها برین ایراد وارد آورد یا به متوقفین و نمیشود به يك طرف ایراد وارد کرد معذرت میگویم در این خصوص فایده ندارد و اگر هم مذاکرات را تجدید نمایند تصور میکنم نتیجه خوبی نخواهد داشت بجهت اینکه قبل در مجلس دوم بطور اجمال و موقت گذشته است منتهی یکی از وزرای يك کابینه که الان در خاطر ندارم نظریه يك مصالحي که خودش در نظر گرفته بوده است و با اطلاع نداشته است که حق بازگشت قوانین مجلس را غیر از خود مجلس کس دیگر حق ندارد چند ماده از آن قانون را توقیف کرد و مجلس هم در این دوره بدولت یادآوری کرد که حق تعطیل و توقیف و بازگشت هیچک از قوانین را ندارد و قوانینی که از مجلس گذشته است حتی الاجرا است و دولت هم اعلان کرد که مطابق امر مجلس باید اجرا بشود و اگر مقصود آقای سردار فاخر این بوده است که قوانین عدلیه ناقص است البته ملت آقای سردار فاخر و امثال ایشان را برای همین وکیل میکنند که اگر نواقصی در قوانین می بینند بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند تا در مجلس تمام شود و اگر تصویب شد بدولت اطلاع بدهند که اجرا کند ایشان می خواستند در این مدتی که تشریف داشتند ما را مستحضر کنند ما هم کمک می کردیم و اگر نواقصی بود بطور پیشنهاد یا طرح قانونی اصلاح میکردیم تا کم کم نواقصی قوانین درست بشود دیگر اسباب شکایت ایشان بمجلس شورای ملی نشود البته دیگر از این مذاکرات نخواهند فرمود ولی بنده باز عرض میکنم که امنیت قضائی داریم و امور قضایی ما چه از نقطه نظر عدلیه و چه از نقطه نظر امور شرعیه کاملاً محکم و مستحکم است و هیچ تغییر پذیر نبوده و نخواهد بود باز عرض میکنم که البته عدلیه هم يك اصلاحاتی لازم دارد اما اینکه راجع بان انتخابات اشاره

راجع باینکه امنیت قضائی در مملکت نیست اینطور نیست امنیت قضائی داریم زیرا امور قضائی مطابق قوانین مرتب و منظمی است که از هزار و سیصد سال قبل تا کنون بمملکت ایران آمده است و مطابق همان مقررات امورات قضاییه ما مرتب و منظم بوده است وقتی با قضاوت هائی که در سایر ممالک در عرض این هزار و سیصد سال شده است با اینکه همه يك مذهب داشته است درست مطالعه کنیم می بینیم که چندین مرتبه امور قضائی و قوانین شان عوض شده است و خودشان معترف اند که باز امور قضائی شان نواقص کما می دارد و حالاً مشغولند که روز بروز تکمیل کنند ولی ما این نقص را ندانستیم اگر چنانچه مقصود و نظر آقای سردار فاخر عدلیه است که البته عدلیه قابل اصلاح است و البته نواقصی هم دارد و باید تکمیل بشود و اگر مقصودشان چیز دیگر بوده است نمیدانم ولی از خارج که میشنوم بعضی ها تصور میکنند که مجلس چهارم قانون عدلیه مصوبه دوره دوم را بهم زده است در صورتی که اینطور نیست قانون عدلیه فعلی همان قانونی است که در دوازده سال قبل در مجلس دوم بطور اجمال و موقت گذشته است منتهی یکی از وزرای يك کابینه که الان در خاطر ندارم نظریه يك مصالحي که خودش در نظر گرفته بوده است و با اطلاع نداشته است که حق بازگشت قوانین مجلس را غیر از خود مجلس کس دیگر حق ندارد چند ماده از آن قانون را توقیف کرد و مجلس هم در این دوره بدولت یادآوری کرد که حق تعطیل و توقیف و بازگشت هیچک از قوانین را ندارد و قوانینی که از مجلس گذشته است حتی الاجرا است و دولت هم اعلان کرد که مطابق امر مجلس باید اجرا بشود و اگر مقصود آقای سردار فاخر این بوده است که قوانین عدلیه ناقص است البته ملت آقای سردار فاخر و امثال ایشان را برای همین وکیل میکنند که اگر نواقصی در قوانین می بینند بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند تا در مجلس تمام شود و اگر تصویب شد بدولت اطلاع بدهند که اجرا کند ایشان می خواستند در این مدتی که تشریف داشتند ما را مستحضر کنند ما هم کمک می کردیم و اگر نواقصی بود بطور پیشنهاد یا طرح قانونی اصلاح میکردیم تا کم کم نواقصی قوانین درست بشود دیگر اسباب شکایت ایشان بمجلس شورای ملی نشود البته دیگر از این مذاکرات نخواهند فرمود ولی بنده باز عرض میکنم که امنیت قضائی داریم و امور قضایی ما چه از نقطه نظر عدلیه و چه از نقطه نظر امور شرعیه کاملاً محکم و مستحکم است و هیچ تغییر پذیر نبوده و نخواهد بود باز عرض میکنم که البته عدلیه هم يك اصلاحاتی لازم دارد اما اینکه راجع بان انتخابات اشاره

فرمودند البته بنده یقین دارم که معنی پروگرام دولت اجرای قوانین است و يك قسمتی از پروگرام دولت مواد و قوانینی است که برای مملکت خیلی لازم است البته آنها را تهیه و پیش نهاد میکنم بایک وقت است يك نواقصی در قوانین می بینند بمجلس متذکر میشوند که اصلاح نمایند چنانچه در پروگرام ۱۳۳۲ راجع باصلاح بعضی از قوانین پیشنهاد فرموده بودند و در مجلس هم اصلاح شد مقصود از پروگرام هلی ای حال طرز اجرای قوانین است البته اگر چه حسن مراقبت در انتخابات را که نوشته اند تا یک درجه می تواند مارا مطمئن کند و البته مقصودشان از جمله حسن مراقبت آزادی ملت است که البته انجام خواهند داد ولی بنده عرض میکنم در ده سال قبل بیکفرضه انتخابات در نظر هست که در بعضی جاها انجمن هائی که انتخاب شده بودند مجبور باستعفا شدند مخصوصاً دو فقره اش درست در نظر هست در موضوع نمایندگی اعتبار السلطنه و ناظم التجار کرمانی شکایت عدیده رسید که در موقع انتخابات سنگرها بسته اند و چه کارهای عجیب و غریبی کرده اند و چند نفر را محبوس کرده اند این اتفاقات بواسطه این بوده است که در موقع انتخابات کاملاً مراقبت در امنیت وسایر وسائل صحت جریان انتخابات بعمل نیامده بود لهذا باید بیطرفی در انتخابات را پیش بینی کرد و ببلاده جلوه گیری از اعمال نفوذ کلیه مأمورین دولت بشود که در امر انتخابات دخالت نکنند و از تجاوزات دو طرف در امر انتخابات جلوگیری بشود یعنی از تجاوزات دست راست که عبارت از متنفذین محلی و مرتجعین و سایر اشخاصی که میل ندارند وکیل صبیح بمجلس بیاید فقط میخواهند وکیل حفظ حیثیات شخصی آنها را بکنند البته چون آنها مراقب هستند و می خواهند میل خودشان را انجام دهند ممکن است در دوره پنجم و کلاهی را انتخاب کنند که حقیقتاً موافق آمال و آرزوی ملت نباشد بلکه موافق اراده متنفذین محلی انتخاب شده باشند پس باید از تجاوزات این دسته جلوگیری بشود و بالعکس از تبلیغ و تجاوزات عدیه که مردم را در موقع انتخابات از اراده حقیقی باز میدارند و افراط و تفریط میکنند و بالاخره يك اشکالاتی توایدمی کنند از اینها هم جلوگیری بشود و بعقیده بنده ارزش دارد که شش ماده از پروگرام دولت در این موضوع باشد نه یک ماده چون این مطالب خیلی مهم است و باید امر انتخابات خیلی مستحکم باشد و گاهلاً از روی بیطرفی انجام یابد تا آن و کیلی که انتخاب میشود طرف اعتماد واقعی ملت بوده و مظهر اراده ملت باشد و محتاج به قوای نظامی و بعضی ترتیبات دیگر نباشد و چون و مابیه و قشون و غیره نگذارید تا کسی ناظر

در مجلس در ضمن پرس و گو گرام اظهار کرد .
 موافق و مخالف معلوم شود این بود اظهارات آقای وزیر خارجه و من هم کاملاً با ایشان موافقم و تشخیص دادن يك موافقت و مخالفتی در روی يك مفاهیم کلی بنظر من خیلی مشکل می آید در صورتیکه روشن شدن مسائل فوق العاده از نقطه نظر احتیاجات عمومی این مملکت و از نقطه نظر سیاست خارجی این مملکت بالاخص بنظر بنده از مسائل خیلی لازم و واجب است در حقیقت چیزی که هادی فکر من و سبب آمدن اینجاست فقط همین بوده است و بنده نه تنها از نقطه نظر احتیاج عمومی و احساس باین که موکلین هم که در خارج هستند آنها هم محتاج و محققند باین که نسبت به قضایای مهم و سیاست خارجی مملکت مطلع و مستحضر باشند توضیحاتی خواهم خواست و اظهاراتی خواهم کرد بلکه از نقطه نظر این که در یک جمعیتی هستم که در حال تردید بنده برای این که هم خودم و هم آنها از تردید خارج شویم و بتوانیم تصدیق کنیم این توضیحات را خیلی لازم دانم رفقای بنده امروز تشکیل يك اقلیت مرددی را میدهند و بنده همه ماها خیلی مایل بودیم که از نقطه نظر حسن اعتماد و روابط خصوصی و شخصی که بین اغلب ما ها آقای رئیس الوزراء و اغلب آقایان وزراء کابینه حاضر است بهتر نتوییم که هست خودمان را از این تردید خارج نمائیم و برای این که با آقایان تذکره بدهم و بیشتر روی سخن بنده با همکاران محترم و دوستان عزیز خودم است خواه آنها که در طرف آنها ما هستند خواه اشخاصی که در طرف اکثریت هستند عرض میکنم که این عده مردد و اقلیت امروزه تماماً باستانی يك چند نفری که در آن موقع هنوز داخل در مجلس نشده بودند تماماً در بد و تشکیل مجلس يك جمعیتی بنام جمعیت اصلاح طلب تشکیل دادند و برای خود يك پرو - گرامی نوشتند که فعلاً حاضر است و اگر چه این اسم و عنوان بواسطه يك پیش آمدها و تغییرات و تبدیلات جمعیتها از بین رفت ولی اصول و اساس افکار و عقایدی که ما را در در هم جمع کرد و تا امروز نگاهداشت همان بوده است و مخصوصاً نسبت به سیاست خارجی عریاضی را که بنده خواهم کرد آقایان می توانند مراجعه کنند بصورت نطقی که بنده در پروگرام دولت سابق کرده ام و به بنیید تمام عریاض من مبتنی بر يك اصول اساسی است که در این پروگرام امروز نوشته شده از جمله (حفظ مناسبات حسنه بادل متعابه) و گمان میکنم آقای وزیر خارجه بنده را تکذیب نخواهد کرد که این جمله يك مفهوم کلی است و تصور نمیکنم هیچکس بتواند نسبت باین مفهوم کلی هیچ نوع مغالطه کند یا اینکه اصلاً يك حقیقت باین واضی و روشنی محتاج باظهار

موافقت باشد این از بدیهیات اولیه است که حفظ مناسبات حسنه با دول متعابه و خارجه و دول همجوار و همسایه از قبیل همسایگانی که ما داریم اینها از الزم و ظایف و وظایف هر صلح و هر اصلاح خواه و وظایف هر فرد علاقه مند بمملکت خودش و نوع بشرو تمدن دنیاست و هیچکس هیچ وقت نمی تواند بگوید چیزی غیر از حفظ مناسبات حسنه علی الخصوص برای مملکت و ملت ایران می خواهد زیرا حفظ مناسبات حسنه بهترین سیاستها و لازم ترین مشیها است و علی الخصوص با شرحی که آقای وزیر خارجه در جلسه قبل نسبت باین قضیه فرمودند قبول نمودند که حفظ این روابط حسنه با کمال بی طرفی و بدون تمایل بهیچ طرف انجام خواهد یافت مسلم است يك همچو اظهار و تهدید علاوه بر تهدید اصلی که حفظ مناسبات حسنه است جای هیچگونه تردیدی برای هیچکس باقی نمیگذارد این بی طرفیکه ایشان فرمودند بیشتر مربوط به سیاست ما است بادل همجوار و همسایه و بنده که این مناسبات حسنه را با این درجه تأیید میکنم بهمین نظر است که نه تنها این بی طرفی خدمت باین مملکت و ملت و خدمت بایران خواهد بود بلکه بعقیده من بزرگترین دولتی و خدمتی که ما می توانیم در عالم همجواری دو همسایه محترم شمالی و جنوبی خود بکنیم همین است که سعی کنیم در سیاست خارجه تمایل بهیچ طرفی پیدا نکنیم و در عین بی طرفی حفظ مناسبات حسنه را بنمائیم و این بهترین سیاستها است و یقین دارم آن اشخاصیکه در همسایه های ما و همجواران ما دارای يك حسن نیت واقعی نسبت بمملکت ما هستند آنها هم بیش ازین از ما انتظار ندارند و اگر بغواهم از برای يك خیالاتی از يك تمایلاتی استفاده کنیم بالاخره تولید اشکالاتی خواهد شد .
 ولی همانطور که عرض کردم بنده خواه بعنوان موافق و خواه بعنوان مردد اگر یشت این تریبون یا کرسی خطابه می آیم هیچ دلیلی در این جای پیدا نخواهم کرد که ما فقط باین جمله حفظ مناسبات حسنه می توانیم موافقتی بکنیم چرا برای اینکه ممکن است يك وقت حفظ مناسبات حسنه فی حد نفسه و بالذات موضوع سیاست خارجی ما باشد .
 این يك احتمالی است ولی البته من این احتمال را نمی دهم و یقین دارم آقایان محترمی که این پروگرام را نوشته اند مقصودشان از حفظ مناسبات حسنه موضوعیت نیست برای اینکه اگر ما حفظ مناسبات حسنه را موضوع سیاست قرار می دهیم ناچار برای اینکه به این مقصود برسیم هر چیزی که مخالف مناسبات حسنه باشد باید از آن احترام کنیم و ممکن است اگر کسی یا دولتی این مطلب را مقصود قرار بدهد آن

وقت هر تمدنی و هر حق شکنی که از هر طرف وارد بشود مجبور بشود که آنها را قبول کند چرا ؟
 برای اینکه موضوع سیاستش حفظ مناسبات حسنه است .
شیخ الاسلام اصفهانی هیچ همچو مقصودی نبوده است
نصرت الدوله بنده هم این معنی را باو نمی دهم ولی این حفظ روابط حسنه که بنده خیلی خواهانم و تأیید میکنم باید اولاً طبقه و طرز مشی معلوم شود تا باینکه باید تطبیق کردن این مفهوم مسا قضایای موجودی مکشوف گردد زیرا آقایان تصدیق دارند ما که اقلیت هستیم در این قضایا بحث میکنیم در همین دقیقه و آن نمیخواهم يك سیاست تازه در يك مملکت تازه بدون هیچ سابقه بگذاریم ما بسوابقی داریم يك چیزهایی که در مملکت ما هست و یک چیزهایی موجود است که آنها را بگفتن و نهفتن نمیشود معلوم کرد بلکه باید تطبیق کرد که مناسبات حسنه باین وضعیات از چه راه ممکن است بنده باز بقول خود آقای وزیر خارجه که فرمودند:
 پروگرامی که دولت بمجلس می آورد در حقیقت از برای ذکر آن قسمت از قضایای است که در آنها اختلاف نظر ممکن است پیدا شود تا معلوم شود که موافقت و مخالفت بر روی کدام يك از دو طرف است تا دولت و مملکت تکلیف خودش را بدانند معلوم شود طریقه که محبوب اکثریت یا اقلیت يك مجلس است کدام طریقه است مثلاً ما باید بدانیم که این حفظ مناسبات نمیتواند يك طرفی باشد زیرا هر معامله در دنیا متقابل است و برای این که مجلس و مردم مملکت ما بتوانند موفق شوند مناسبات خوب مابین خودشان و دیگران و خارجها را حفظ کنند و باید مطمئن باشند که مناسبات از دولت طرف هم محفوظ میماند و باید بدانند که علاوه بر آن من خیلی خوشوقت و شایق بودم هیأت محترم دولت در ضمن این اظهارات و انشاء این اصل که يك حقیقت مطلق است يك حدوقیدی هم از برای آن در بسو امر قائل شده تا هم یگانگی و یگانگی هم اجنبی و هم داخلی بدانند حدی که دولت و مجلس شورای ملی و مردم این مملکت برای حفظ مناسبات حسنه خود قائل هستند آن حد کدام است و چنانچه سابقاً در آن پروگرام خودمان ما نوشتیم این حد تا وقتی است که سیاست دیگران منافی با استقلال و آزادی و ترقی ما نباشد در هر کدام از این هادرو موقع خودش يك میبانی دارد .
 برای این که ممکن است يك عملیاتی منافی با ترقی باشد که شاید در بدو امر بشود آن قضیه را منافی با استقلال فرض کرد اگر

چه مدافعه در امور يك مملکتی از هر حیث و بهتر ترتیب که باشد طبعاً مخالف با استقلال است باین جهت بنده میل داشتم حفظ مناسبات حسنه در این پروگرام مفید باین بنده رسمی شده باشد .
 شیخ الاسلام - مقید است
 نصرت الدوله - و ما باید خیلی دقیق باشیم و از تجربیات گذشته نتیجه بگیریم اگر يك قومی مثلاً يك فردی مفید بود بواسطه خلقش یا اخلاق طبیعی همیشه در يك جا باشد یا اگر يك قوتی يك راهی رفت و دیدن این راه صحیح نیست دیگر از آن راه نتواند برگردد بنابراین هیچ نوع ترقی و استفاده در گذشته و آئینده برای مردم ممالک دنیا ممکن میشود و بزرگترین اصل در سیاست تجزیه گرفتن است برای مادر صفعات تاریخ دیده ایم که هیچ فردی و هیچ قومی هیچ حکومتی و هیچ ملتی نمیتواند بگوید من هیچوقت اشتباه نمیکنم ما تا بحال در تاریخ چنین چیزی ندیده ایم همیشه زندگانی سیاسی و تاریخی اقوام و ملل دنیا زندگانی تکاملی است از روی تجربه از عملیات خودشان و از روشن کردن زمینه های آتیه بواسطه عملیات سابقین خودشان است و ما هم باید در نظر بگیریم بدبختیهایی که از سالهای عیدیه از قرون عیدیه باین مملکت حمله کرده و بدبختیهایی که این قوم و ملت را با تمام آن مرجعات طبیعی و خدادادی که در آن هست و با تمام آن استعدادی که در افراد این ملت و در این مملکت برای آبادی و ترقی هست آن خطرات و بدبختیهایی که ما را همیشه عقب انداخته و در يك حدودی که از حجت طبیعت و لیاقت آن حدود سزاوار ما نبوده است نگاه داشته است اینها از کجا آمده است از دست خارجهای ما وارد شده و این خطرات بواسطه این بوده است که ما نتوانستیم در مملکت خودمان مسائل را از هم تفکیک کنیم من جمله آنچه بنده عرض کردم در سوابق نزدیک هیچ ندیدم که ممکن شده باشد قضایای ترونی در این مملکت از مداخله سیاست دیگران آزاد باشد این يك قضیه عمومی است و يك بدبختی است که ما همیشه در هر موقع و در هر حال باید آنرا در نظر بگیریم و هر سیاستی را که اتخاذ می کنیم منی بر احتراز از این قبیل مسائل و مبنی بر خلاصی از این اسارت باشد مناسبات حسنه برای بهترین سیاستها است اما بشرط این که قضایای ترونی مان در این مملکت در جهت يك فشارها و تضییقات ظاهری و باطنی نباشد و بوجوب مراسم و پروتست و تشددات يك تضییقاتی بموارد نیاورند البته این مسائل هم مستقیماً مربوط به سیاست است ما بایستی این مسائل را در نظر بگیریم و وقتیکه در محافظ مناسبات حسنه میزینیم و در مقدمه این ماده مینویسیم سعی در حفظ مناسبات حسنه از آن

عقایدی بود که رئیس جمهوری امریکا (مستر ویلسون) در آن چندماده که طرح کرده و تا وقتی که خودش بود و ناظر بر عملیاتی بود این سیاست را تعقیب کرد و فوق العاده اصرار داشت چنانچه در عقد اتحاد جامعه ملل که این مملکت و دولت هم بوجوب رای نمایندگان محترم که در همین مجلس داده اند یکی از اعضاء آن جامعه هستند و بایستی آن قضایا را در نظر بگیرند در آن جا هم يك اشاره هائی نسبت باین نوع از سیاست هست ولی بطور محدود و سیاست واضح و روشن برای ما که يك دولت و ملتی هستیم که در مقابل دول و ملل دنیا که قوای مادی شان از ما زیادتر است و یا ضعیف و كوچك قلم میرویم ولو اخلاقاً از هیچكس لازم است .
 شیخ الاسلام - از هیچكس کم تر نیستیم نصرت الدوله - عقیده بنده هم اینست و عرض کردم .
 اخلاقاً اما از نقطه تمدن و علوم جدید قائلم که ما از آنها خیلی عقب هستیم ولی از نقطه نظر اخلاقی از آنها باز نمی مانیم برای ما يك همچو سیاستی فوق العاده لازم است در آن موقع خطاب به آقای رئیس الوزراء (قوام السلطنه) نمودم و عرض کردم .
 ولی چیزی که مرا باین کرسی نطق آورده است این است که میخواهم به بینم آیا عبارت پروگرام دولت از برای طرح سیاست خارجی در مجلس شورای ملی و عرض داشتن آن با فکار عامه کافی است یا خیر ؟ تصور میکنم و یقین دارم آقایان نمایندگان مثل من منتظر داشتند که دولت در موقعی که پس از شش سال دوره فترت دوره که فاقد مرکز صلاحیت دار ملی برای مداخله حقه در سیاست بوده است امروز مصادف با مجلس شوری میشود سیاست خارجی را روشن تر و تصمیم عملی خودش را واضح تر از این اظهار کند تا و کلارا بیشتر قادر بتقویت خود نماید اینجا دیگر طولانی است و مسائل را دیگر نمیخواهم مجدداً عرض کنم و بالاخره اینجا مجدداً عرض کرده ام ولی تقید من راجع برویه و اسلوب گفته است که از هر جهت ناموافق با احتیاجات فعلی و افکار امروزی است و آن نهفتن حقایق استوار وقایع و بالاخره قائل شدن به سیاست مغفی و اعتقاد بقایر دیپلماتیکی و یلتیکی یا بعبارت آخری کابینه های وزارتی است آقای رئیس الوزراء فرق این پرده های اوام و ترک این گفته پرستیها و سلب اعتقاد از جمودت در این سابقهها از شأن شما و از وظایف اولیه این مجلس و نمایندگان دوره چهارم است
 این عین عبارت و الفاظ و عقیده است که من در صورت موافقت با رئیس الوزرای وقت اظهار کردم پس البته از این حیث من ایرادی نخواهد شد که چرا معتقدم باینکه

بایستی سیاست خارجی ما روشن باشد یعنی نه فقط از برای هیئت دولت و مجلس شورای ملی روشن باشد بلکه بنده معتقدم که سیاست خارجی مملکت ما برای عموم مردم از هر طبقه که باشد باید اصول آن روشن باشد و جریان وقایع و اصول مهمه آن در نظر همه واضح باشد در اینصورت بنده میخواهم به پرسه و میخواهم بدانم که چه نوع ما باید از این مناسبات حسنه را که نهایت آرزومندی را بحفظ آن داریم چه نوع آنها را باید قضا یا و وقایعی باید تطبیق کنیم و راه حفظ مناسبات حسنه بطور عملی چیست در اثنای بیانات خود اشاره کردم باظهارات آقای شیخ الاسلام و بعضی نمایندگان محترم خوب است راجع به وضعیت جزائر خلیج فارس که يك قضیه ای است که گمان می کنم حفظ مناسبات حسنه باین مسائل هم باید ارتباط داشته باشد و همانطور اشاره میکنم باظهاراتی که قبلاً شده است و حالا هم خودم تأیید میکنم و عرض میکنم مناسبات حسنه بچه قسم باین قضایا تطبیق میشود با بودن يك قشونهای خارجی و اجنبی در بنادرها و ترغین آنها در مقابل پروتست های متوالی دولت در اینصورت ما مناسبات حسنه را بطور تطبیق میکنیم و حفظ مناسبات حسنه را که بآن علاقه زیاد داریم چطور می نمائیم
 آقای رئیس الوزراء راهی که برای این امر تشخیص داده اند و رأی را که اندیشیده اند از برای اینکه روابط حسنه را باین حوادث تطبیق کنند چیست ؟
 و این سؤال بنده برای این است که قضایا برای عموم مردم روشن شود برای اینکه ممکن است در آن راه با هم دیگر توافق نظر پیدا کنیم و ممکن است بعد از شنیدن جوابهای شخص رئیس محترم دولت یا آقای وزیر امور خارجه در يك محضر رسمی که ناچار يك تمهات رسمی است بنده نهایت موافقت را با نظریات دولت پیدا کنم و نیز ممکن است که از حال تردید بیرون بیایم و بگویم باین طرز و طریقه عمل موافق نیستم این است می خواهم به دانم حفظ مناسبات حسنه را چطور باین قضایا تطبیق میکنید و همچنین میخواهم بدانم هیئت محترم دولت که در يك موقع بدانم هیئت محترم دولت که در يك موقع خلیج مهم تشکیل شده و با دسایس که در سرحدات غربی مدارات اتفاق می افتد تصادف کرده آیا در این مدت چهل پنجاه روزی که مطالعه کرده اند چه راه سیاستی نسبت بقضیه این مملکت است چه فکری کرده اند ؟
 قضیه کردستان يك سوابق خیلی زیادی دارد در چند سال قبل آقای وزیر خارجه فعلی خودشان شاهد این قضایا بودند و در خدمت خودشان ما در اروپا بودیم و وقتیکه این مسئله شروع میشد و این عنواناتی که پیش آمده بود برای مملکت ما يك خطرات

عظیمی را تهیه کرده بود و حالا هم دارد و تا باقی باشد آن خطرات را خواهد داشت اراضی کردنشین مشترک بین ایران و عثمانی قدیم را وقتی نقشه کشیدند يك تقسیمات عمده و انفرادی برای آنها کردند .
 کرد نشین ایران دارای يك میلیون نفوس است و کرد نشین عثمانی دارای يك میلیون و هفتصد هزار جمعیت است و کلیه جمعیتی که در اراضی کردنشین سکونت دارند دو میلیون و هفتصد هزار نفر است ما باید بدانیم که استقلال کرد نسبت بما چه تأثیر دارد و این قضیه موخش که شیخ محمودی از موصل بعنوان ملك محمود قیام میکند و وزیر داخله خودش را بطرف اکراد و عشایر ایران میفرستد چه قضیه است .
 اینها يك چیزهایی است که در جراید ایران و جراید خارجه می بینیم و بگفته های از آن را در بانك کردستان که جریده رسمی کرد است دیده میشود و آیا اینها چه صورتی خواهد داشت بنده بعقیده خودم روشن کردن این مسائل و مطرح کردن آنها را در اینجا نه تنها مطابق فکر آزاد و فکر نماینده که خودش را در حدود يك تکالیفی موظف به ادای نمایندگی میدانم لازم میدانم بلکه از حدود صرفه مملکت هم خارج نمیدانم و روشن کردن این مسائل را خیلی بهتر میدانم برای اینکه هزار نوع افکار و خیالات اوام ممکن است درباره این ابتلائات برای مردم پیدا شود که شاید اصل نداشته باشد و ممکن است از برای دولت اسباب زحمت شود و این خیالات مانع از این شود که هیئت دولت در حفظ مناسبات حسنه بطوریکه لازمه سیاست است رفتار کند و شاید تولید يك سوء ظن ها و يك بغض و کینهها و يك عداوتها بشود که تمام آنها برای حفظ مناسبات حسنه مضر باشد .
 در پروگرام هیئت محترم دولت در ماده اول در آن قسمتی که راجع بحفظ مناسبات حسنه با همسایه شمالی است قضیه بیشتر تشریح شده و مینویسد انجام قرار دادهای تجارتی و بستنی و تلگرافی بادولت روسیه بطریقی که با مصالح مملکت توافق داشته باشد البته این مطلب از مسائل خیلی مهم و مبتلا با امروزه است . مردم این مملکت تمام محتاج و علاقه مند هستند به اینکه ابواب تجارتشان بادولت روسیه مفتوح باشد و همه علاقه مند و آرزومند هستیم که هیچ نوع عایق و مانع و مشکلی در تجارت و رابطه تجارتی بین ما و روسیه نباشد ولی تصدیق میفرمائید که این قضیه امرای نیست و قضیه ای است که هر روز و هر ساعتی که در انجام و اجرای آن تأخیر شود يك ضرر عمده برمرد این مملکت متوجه میشود و بنده خیلی امیدوار بودم و انتظار داشتم در موقعی که هیئت محترم دولت بمجلس می آید و پروگرام خود را تقدیم مجلس میکنند این قضیه يك مسئله ختم شده باشد و در حقیقت

نهایت امیدواری را باین مطلب داشتم و دیروز و سیروز اظهارات آقای وزیر خارجه در این زمینه قدری بنده را متعجب کرد زیرا از اظهارات ایشان این تصور استقافه صورت گرفته که هنوز این مطلب انجام نگرفته و هنوز راه وفق دادن این احتیاجات با مصالح مایه‌ها شده در صورتیکه بنده انتظار داشتم که در نتیجه مطالعات مدت تشکیل کابینه این قضیه از قضایای حل شده باشد و تمام مردم هم این انتظار را دارند و امیدوارم همان طور هم بشود زیرا همانطور که عرض کردم احتیاج مادرین مطلب یک احتیاج میرمی است و تمام مردم شمال مملکت از کیلان و مازندران و آذربایجان و تمام قطعات شمالی برای فروختن اتمه که قابل خراب شدن است منتظر انجام این امر هستند و اینها چیزهایی نیست که بتوان تحمل کرد و هرچه زودتر این مسئله تمام بشود بهتر است

نسبت باین قضیه هم باز از نقطه نظر صلاح اندیشی هم از برای هیئت محترم دولت وهم از برای خودمان که نمایندگان مردم هستیم تصور میکنم از نظر کثرتی خارج کردن و تأمین دادن مردم بهتر از هر راه روشن کردن مسائل و با اطلاع عامه رساندن این قضایا است نه اینکه يك فرد خیلی خوش بینی مثل بنده مدت يكماه چهل روز در انتظار انجام این مسئله باشد یا اینکه بالعکس در بدبینی باشد تجار روسا کدین و مالکین و زارعین و فلاحین تمام خطه شمالی ما باین قضیه علاقه مند هستند . نه تنها رابطه اشاعه این مسائل از نگرانی بیرون مینماید بلکه خود آنها بواسطه اینکه ذی نفع هستند و شاید بتوانند يك استفاده‌هایی بکنند فوق العاده جالب توجه آنها خواهد بود و البته بنده یقین دارم نسبت باین قضایایی که اظهار کردم و توضیحاتی را که با کمال صداقت و خلوص عقیدت از رئیس محترم دولت تقاضا کردم خود ایشان بهترین گواه این صدق نیت و خلوص عقیدت بنده خواهند بود و البته یقین دارم در مقابل جوابهایی که خواهند فرمود بنده خواهم شنید معلوم خواهد شد که حفظ مناسبات حسنه به چه ترتیب خواهد شد . يك قسمت دیگری هم اینست که البته هر سیاست و هر کار و هر عملی با وسائل کار و با وسائل مهابه بهتر انجام میگردد هر کس در سیاست خارجه بحث کند و هر کس که نظرش را بقاضای مربوط به سیاست خارجه این مملکت با هر مملکتی معطوف بنادارد باید وزارت خارجه یا مأمورین آن سیاست را هم در نظر بگیرد در این موقع من خیلی خوشوقتیم که طرف مکالمه و طرف خطاب من شخص معتمد آقای ذکاءالملک هستند که ایشان در مدت يكسال تمام بامن در اروپا بودند و طرز رفتار مأمورین دولت را ملاحظه نمودند و یقین دارم بآن اخلاقی که در ایشان می شناسم هیچوقت در پشت

این کرسی کتمان آنها را نمیکنند بنده می خواهم به هیئت دولت وزیر خارجه برای اصلاحاتی که در این قسمت لازم است و عملیاتی که در این رشته باید بکنند تا بتوانند سیاست خارجه مملکت را محفوظ بدارند و سیاست حسنه را تهیه کنند چه فکری کردند .

بنده به قول خود آقای وزیر امور خارجه که در اینجا فرمودند اجرای قانون که از مجلس گذشته است در وظیفه دولت است و محتاج به ضرورتی که در این مجلس راجع نبوده و می خواهم بدانم ایشان مخصوصاً نسبت به قانونی که در این مجلس راجع به مدت توقف مأمورین سیاسی در خارجه گذشته است چه فکری کرده اند بنده این ایراد را به کابینه سابق هم داشتم و در همین مجلس با اینکه مخیر کمسیون بودجه و از مدافعین دولت بودم گفتیم من از این بودجه دفاع نمیکنم چرا؟ برای اینکه من قادر باین نیستم که بدانم معنی این مطلب چیست و چگونه میتوانم این قضایا را با يك دیگر جمع کنم که يك قانونی از طرف قوه مقننه وضع بشود موقع اجرای آن هم برسد و قوه مجریه که خودش را موظف با اجرای قانون میدانند تکامل کدو مدباز بیايد از همان مجلس و قوه مقننه پول بخواند ؟ این را من در موقع کابینه آقای قوام السلطنه عهده دار زمام امور مملکت بودم گفتم و حالاهم باین عقیده باقی هستم تصور میکنم عموم رفقای من خواه در اقلیت باشند خواه در اکثریت در این قضایا با یکدیگر همصدا و موافق هستیم که اجرای قانون را از دولت باید خواست . هر قانونی که وضع شده باشد اگر دولت نمیتواند اجرا کند باید بمجلس بیايد و تقاضای آن قانون را با دلیل از خود مقنن بخواند والا قانونیکه بقوه خودش باقی است باید اجرا بشود علی - الخصوص که يك قانونی اجرای ناقص هم پیدا کند آنوقت ملاحظه فرمائید که چقدر ظلم وی اعتدالی میشود چنانکه در همین قانون بطور ناقص اجرا شده و برای بعضی موجب بدبختی شده . برای کپی ؟ تصوری فرمائید برای مأمورین وظیفه ناشناس ؟ خبر بلکه برای آن مأمورین و بخت بیچاره که بمجرد ابلاغ چون میبینند قانون محروم شان کرده بر میزند و شغل و مأموریت خودشان را رها میکنند و میآیند در این مملکت و آن وقت مثل غفار خان و صدق السلطنه و میرزا علی اکبر خان بهمین باید سلسله ویران و بی معارج بمانند و هیچکس هم از ایشان احوالی نپرسد این بوده است طریقه اجرای این قانون طریقه اجرای آن این است که وقتی مأمورینی در خارجه دوره خدمتشان بسر رسید باید ابلاغ شوند و بیايند در سر پستهای داخلی این مملکت مشغول خدمت باشند و بجای آنها هم آقایان مدیران و رؤسای اداراتی که هیچ میل ندارند از تصدلی خود برخیزند بجای آنها بروند اگر چه تصور نمیکنم مأمورین وزارت خارجه اینطور باشند چون

از حالات آنها اطلاع دارم که اغلب شان میل دارند بخارج بروند منتھی جایش نیست ولی اشخاصیکه باین قانون اطاعت نکرده اند هنوز سر جایشان هستند و اینهم یکنوع سر پیچی است و البته اجرای ناقص يك قانون این تأثیرات را مینماید تا تأثیراتش بظلم وی اعتدالی است باینجهت من از آقای رئیس الوزراء و آقای وزیر خارجه استدعای جدی دارم که برای حفظ شرافت قانون و کلاهی که این قانون را تصویب کرده اند فرمائید چه فکری برای این قانون کرده اند ؟ و اگر صلاح میدانند اجرا شود و میخواهند تقاض کنند فوری بیايند بمجلس و دلایل تقاض را هم بگویند و از ما تقاضای آنها بخوانند و حکایت میکنیم والا اگر این نظر باین داشته باشد اجرا نمائید زیرا حفظ روابط حسنه و حفظ سیاست خارجه در يك مملکت شوروی درلوی احترام و اطاعت قانون است قانون بالاتر از تمام افراد است هیچ فردی را نمی شناسیم قانون اساسی فردی را بمن معرفی نکرده که خودش را بالاتر از قانون بداند و از قانون سر پیچی کند .

خطاب من بآن مأمورینی است که در خارجه می نشینند و بعد از آنکه این ابلاغ قانونی بآنها میشود خود را بالاتر از دولت و ملت و قانون اساسی میدانند و متأسفانه تا معاندند که با آنها بهمانند بنظر نیست و امیدوارم آقای ذکاءالملک بآن حلم و ولایت و حسن اخلاق معروف که شهره ايراند همان طور هم شده اند که مقید قانون هستند و من از شما آقای ذکاءالملک تقاضا دارم که شما صندلی این وزارت خارجه را قبول نکنید و نگاه ندارید مگر اینکه تکلیف این قانون را رعایت کنید و الا بازنه کی و سابقه شما و با عقیده که مردم نسبت شما دارند این امر مغایرت پیدا خواهد کرد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - مذاکرات طولانی حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله را این بنده می توانم بچهار فصل قسمت کنم که با وجود تجریشان در نظامنامه داخلی و قانون اساسی و حقوق و سایر قوانین يك قسمت را بنده ملتفت نشدم خودشان توضیح خواهند داد فصل اول فرمایشات ایشان يك حکایت و يك تاریخچه از حزبى که در اول امر با اصلاح طلب تشکیل شده بود و اصلاح طلبان از آن لغت هائی است که همه آقایان میدانند با وجود اینکه میدانم مکرر در این مجلس گفته شده است آقایانیکه در این حزب بوده اند میل دارند علاکار بکنند از لغت تزئین دادن اجتناب میورزند می توانم با کمال ادب عرض کنم که این یکی از ترتیبات و نمایشات بود که سابقاً احزاب برای جمعیت خودشان میگذاشتند از برای اینکه مفهوم مخالفش را بمخالفین خردشان بنمایانند هر چند که آقایان آن مفهوم مخالفی را بمخالفین خودشان نگذاشتند باری از آن حزب پنج نفر اصلاح طلب و بعد تبدیل با اکثریت يك تاریخچه فرمودند بنده

در آن قسمت لازم نمیدانم داخل شویم زیرا جزء پروگرام نیست يك قسمت اخیراً برایش عرض میکنم چون فرمودند هر چیز را هر کجا که مناسب با سیاست خارجه باشد در این موقع می توان داخل نمود با این اصل که ایشان فرمودند اگر اینطور تفسیر کنیم البته حق با ایشان است میتوانند هر قسم فرمایشات فرمائید ولی چون بنده این اصل را قائل نیستم و همانطور که آقای رئیس محترم مجلس فرمودند به عقیده بنده خارج از موضوع ماده يك است چون در اظهار عقیده آزاد هستم بنا بر این بنده داخل نمیشوم قسمت اخیر فصل چهارم يك توضیح و محبت ها و تقاضاهائی یا غیره اندیشی هائی بود برای وزیر امور خارجه و بعد آقای وزیر امور خارجه نسبت دادند که از حیث علم و مال اندیشی و غیره خواهی و البته معلوم است ایشان هم با آن علم و تمجیداتی که از ایشان فرمودند و درخبر تمام آن تمجیدات هستند در موقع عمل خودشان البته در نظر خواهند داشت آنهم به بنده مربوط نیست آقای وزیر خارجه خودشان با عملیات ثابت میکنند آن نصایح را خود دارند و ایشان بنده چیزی را که داخل این صورت مطالبی است که راجع بماده اول پروگرام فرمودند و باز هم در قسمت سوم فرمایشات ایشان قدری راجع بقانون بود مخصوصاً در خصوص قانونی که راجع بمأمورین خارجه گذشت و هشت ماه و ده ماه در کابینه سابق بآن عمل نشده بود و همه ظلمهائی که بآن ما چهار نفر نسبت دادند در این کابینه نشده است و از عملیات کابینه سابق بوده است که اگر اجرا کرده اند نتیجه اجرایشان این شده است و بکابینه حاضر مربوط نیست اگر خیر عمل نکرده اند و این صدمات باین سه فروارده شده است و قانون اجرا نشده باز با اشخاص حاضر مربوط نیست باشما می مربوط است که از ایشان دفاع میفرمودند فرمودند یکدفعه هم در ضمن بودجه اظهار نمودند ولی سایر رفقای محترم اکثریت شان با آن حرارتی که امشب شاهزاده نصرت الدوله فرمودند در این مسئله اساسی و حیاتی و مهمی است و استیضاحی نکردند و متمعجانه امشب در پروگرام هم استیضاح میکنند هم سوال در ماده اول بآن آهنگ شدید و سخت و بآن حرارتهای و زدن بر روی کرسی خطاب با مشت از کاری که کابینه سابق کرده استیضاح می کنند .

حضرت والا - بلی صحبت هائی بود که فرمودید و مشت هم زدید لفظ هم نگذاشته و ما دیدند اصالی که آن کابینه در مدت زمامداری خودش بآن عمل کرده است از کابینه که امشب شب اول است که پر ارامش را تقهیم

حضرت والا - بلی صحبت هائی بود که فرمودید و مشت هم زدید لفظ هم نگذاشته و ما دیدند اصالی که آن کابینه در مدت زمامداری خودش بآن عمل کرده است از کابینه که امشب شب اول است که پر ارامش را تقهیم

نصرت الدوله - اینطور نیست

حضرت والا - بلی صحبت هائی بود که فرمودید و مشت هم زدید لفظ هم نگذاشته و ما دیدند اصالی که آن کابینه در مدت زمامداری خودش بآن عمل کرده است از کابینه که امشب شب اول است که پر ارامش را تقهیم

حضرت والا - بلی صحبت هائی بود که فرمودید و مشت هم زدید لفظ هم نگذاشته و ما دیدند اصالی که آن کابینه در مدت زمامداری خودش بآن عمل کرده است از کابینه که امشب شب اول است که پر ارامش را تقهیم

حضرت والا - بلی صحبت هائی بود که فرمودید و مشت هم زدید لفظ هم نگذاشته و ما دیدند اصالی که آن کابینه در مدت زمامداری خودش بآن عمل کرده است از کابینه که امشب شب اول است که پر ارامش را تقهیم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

خارج بود زیرا این استیضاح به عقیده بنده با اصل بیست و چهارم تباين داشت شاید هم اشتباه کرده باشم اصل بیست و چهارم میگوید بستم عهد نامها و مقوله نامها اعطای امتیاز است (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحی و غیره اعاد از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصوب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهائی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد بنده نمیخواهم عرض کنم این عهد نامها و قراردادهای که فرمودند از آن قرار داد هائی است که در این ماده بآن اشاره شده پانه وارد این قسمت نمیشوم ولی درجائی که امروز پروگرام روی میز است خواستن اینکه شما بچه ترتیب و به چه سببها تمام کار هائی را که تا بحال نشده است اجرا میکنند ملادر سواحل تاپیست و چهار ساعت قشونی را که بنده تا به حال نمیدانستم و امشب اولین دفعه ای است که بنده شنیدم قشون اجنبی در خاک ما است چون فرمودند سیاست روشن است نمیدانم این قشون اجنبی بعد از معرفی کابینه آمده است یا سابق بوده ولی رفقای اکثریت سابق اطلاع نداشته اند چطور با کابینه توجید مساعی میکردند اگر اطلاع داشتند چطور فراموش کردند و ما باید حالا فراموش کاریهای سابق را یادشان بیآوریم در این مدت این مسئله فراموش شده حالا در کابینه که پروگرام امشب آمده یادشان آمده امشب در ماده اول که حفظ مناسبات حسنه است یاد آوری شد در هر صورت خیلی ممکن است در يك شب تقاضا کرد و ممکن است هر کدام از آقایان اکثریت از آقایان اقلیت سابق چپ تر و با حرارت تر شوند در حال بنده اشکالی نمی بینم ملاحظه می فرمائید ما گوش میکنیم آقایان صحبت ها شان را فرمائید وظیفه آزادی نطق همین است که هر قدر میخواهند مذاکره فرمائید نامذاکرات کافی بشود زیرا همانطور که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمودند ما هم طالب روشن شدن مطالب و قضایا هستیم اما متأسفانه باینکه بنام اکثریت و از جانب اکثریت شاهزاده نصرت الدوله اظهار فرمودند ما طالب سیاست روشن هستیم ما روشنی در سیاست کابینه سابق ایشان ندیدیم .

سید یعقوب - چرا ندیدیم سلیمان میرزا - اجازه فرمائید بنده عرضم را بکنم بعد جناب عالی هم اجازه بگیرید و پنج ساعت صحبت کنید بنده هم گوش میکنم بنده رئیس کمسیون خارجه بوده ام اگر در مجلس آقایان ندیده اند بنده در چند چیزی که از این جا گذشته است . سیاست روشن باین اندازه که ایشان فرمودند و امشب در نظر داشتند و اگر باشد اگر در تاریخ از این قرارداد هابسته

سید یعقوب - چرا ندیدیم سلیمان میرزا - اجازه فرمائید بنده عرضم را بکنم بعد جناب عالی هم اجازه بگیرید و پنج ساعت صحبت کنید بنده هم گوش میکنم بنده رئیس کمسیون خارجه بوده ام اگر در مجلس آقایان ندیده اند بنده در چند چیزی که از این جا گذشته است . سیاست روشن باین اندازه که ایشان فرمودند و امشب در نظر داشتند و اگر باشد اگر در تاریخ از این قرارداد هابسته

دوره چهارم

دارد که ما با اتفاق آراء با آوردن مستشار امریکائی رای بدهیم برای اینکه می دانیم در این مسئله نسبتهای سیاسی هیچ نیست و ضروری در سیاست ما وارد نمیشود بنا بر این تملاً موافقت میکنم شاید در موقع دیگر موافقت نکنم راجح باینکه ما باید از تجریبات گذشته از اتفاقات گذشته برای آینده استفاده کنیم محققاً همینطور است در خصوص این ماده و بعد از تجریبات گذشته بکفندی راه استفاده در دست آمده است اگر در پروگرام سابق نوشته شده بود حفظ مناسبات حسنه با دول متجا به راهش را آن تجریبات گذشته معین کرده و در این پروگرام يك قسمت ما به انقلابی که از برای این مملکت مدت مدیدی پیش آمده بود رفع شده و حالاً مجبور با داوری را که ایشان در کابینه سابق در باب تطبیق تجارت فرمودند عرض کنم بنده نمیخواهم از کابینه سابق تقدیر و استیضاح کنم کما اینکه حضرت والا استیضاح کردند البته کابینه سابق که فعلاً سر کار نیست اقدامات خود را کرده است اما نتیجه ترتیبات اقتصادی و تجارتي که امروز میگوئیم در کابینه سابق هم با آن مدت متقادی وقت موفق بانجامش شدید بالعمد بنده می بینم بقدری حضرت والا نشده اند و بقدری آرزو دارند که میخواهند همین امشب قراردادهای تجارتي و اقتصادی را که در تمام این مدت نشده بود از جیبشان در بیآورند و روی میز مجلس بگذارند در صورتیکه شاید بعد از بنده از طرف دولت توضیح داده شود که شاید موفقتهای زیادی هم در این مدت کم حاصل نموده اند و ممکن است خود آقایان توضیح بدهند اطلاعات بنده ناقص است اقداماتی که لازم بوده است در این زمینه شده است بنا بر این امیدوار هستیم خیلی زود با این شرحیکه در اینجا نوشته شده قرارداد های طرفین با توافق منافع و مصالح طرفین بسته شود و این قسمت اقتصادی و تجارتي کاملاً تأمین شود و اولین قدمی باشد که ما بطرف اقتصاد و ثروت برداشته ایم اما یکسئله دیگری که خیلی بنظر بنده مهم بود اینجا ذکر شد که باز هم از يك نظر راجع بماده اول بیست و ولی از اگر در خارج مملکت ما يك کسی يك خیالی کرده باشد و يك حرفی بزند مشرمان حرفها و آرزوهائی است که ما هم داریم کما اینکه اجساد ما و سلاطین ایران شلاق بروی دریا میزدند و بنا بر سفر را تهدید میکردند و میگفتند بگذار کشتنها یا پل را درست حرکت بدهیم و ببندیم قشون امیرطور ایران میخواهد رد شود ما هم خیلی از آن آرزوها داریم و در خانه های خودمان که نشسته ایم خیلی حرفها می زنیم ولی در دنیا اثری نمیکند محمد ولی میرزا - تأثیراتش هر روز در

سید یعقوب - چرا ندیدیم سلیمان میرزا - اجازه فرمائید بنده عرضم را بکنم بعد جناب عالی هم اجازه بگیرید و پنج ساعت صحبت کنید بنده هم گوش میکنم بنده رئیس کمسیون خارجه بوده ام اگر در مجلس آقایان ندیده اند بنده در چند چیزی که از این جا گذشته است . سیاست روشن باین اندازه که ایشان فرمودند و امشب در نظر داشتند و اگر باشد اگر در تاریخ از این قرارداد هابسته

از سیاست بنده کاملاً مستحضر میباشند در نتیجه این خدمات جز تحمل نا ملایمات و حمله و اعتراض و جز بی انصافی چه در مجلس و چه در جراید و خارج چیزی ندیده ام این راهم از راه عشق و علاقه بمملکت تحمل میکنم و هر ناملایمی را بر خود گوارا میدارم . اینجا آقای ملک الشعرایك سابقه در مجلس گذاشتند و يك شعری را قرائت فرمودند بنده هم بی مناسبت نمیدانم بایشان تاسی کنم و استشهاد نمایم باین شعر حافظ که میفرماید
(ناز پرورد تنعم نبرد راه بدوست
عاشقی شیوه رندان بلا کش باشد)
(بعضی از نمایندگان - صحیح است احسنت)

رئیس الوزرا - چون مسئله انتخابات را دولت از وظایف اولیه خودش میدانند و موقع آنهم نزدیک است لایحه اعتبار آنرا تقدیم فوریت او را هم تقاضا دارم
(تسلیم نمودند)

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - آقای قوام السلطنه چون خیلی عصبانی بودند سه مرتبه يك لغتی را تکرار فرمودند بنده مطابق نظامنامه داخلی حق دارم بایشان یاد آوری کنم آن لغتشانرا پس بگیرند و آن لغت بی انصاف بود ولیکن چون ایشان خیلی در صدمه هستند بنده از این تقصیر ایشان صرف نظر میکنم و به عفو این جمله برایشان منت میگذارم
(از طرف نمایندگان - احسنت)

رئیس - بقیه مذاکرات میماند برای فردا

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۲۳۹

صورت مشروح مجلس

یوم چهارشنبه ۱۶ حوت

۱۳۰۱ مطابق ۱۹ رجب

۱۳۴۱

(مجلس یکساعت و نیم قبل از

غروب بریاست آقای مؤتمن الملك

تشکیل گردید)

صورت جلسه یوم سه شنبه

۱۵ حوت را آقای امیر ناصر

قرائت نمودند

رئیس - آقای سردار معظم

کردستانی

(اجازه)

سردار معظم کردستانی - عرض

بنده راجع بقسمت کردستان است و پس

از تصویب صورت جلسه اجازه فرمائید عرض

کنم .

رئیس - نسبت بصورت جلسه ایرادی

نیست ؟

مذاکرات در ماده اول پروگرام دولت

هنوز ختم نشده است